

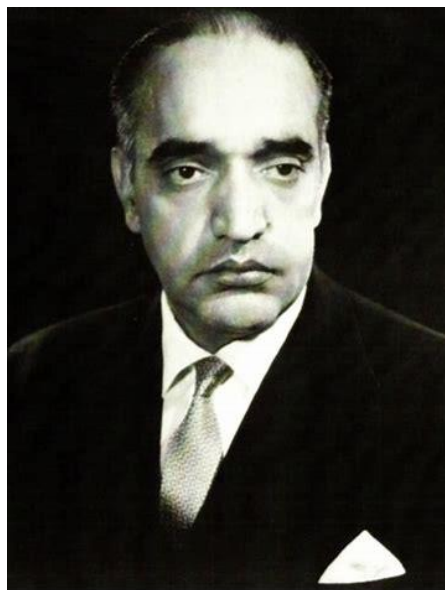


۲۰۲۰/۱۰/۱۳



داکتر سید عبدالله کاظم

## محمد هاشم میوندوال کی بود و چگونه نردبان - مقامهای مهم دولتی را طی کرد؟



محمد هاشم پسر مولوی عبدالحلیم از باشندگان شهرک "مُقر" - یکی از مربوطات ولایت غزنی است که در سال 1298 ش (1919م) در آنجا چشم دنیا کشود. به روایتی پدرش اصلاً از آسیای مرکزی و مادرش از قبیله احمدزائی پشتون بود. او در سال 1321 ش به حیث یک شاگرد ممتاز از لیسه حبیبیه فارغ گردید و زبان انگلیسی را در دوران مکتب آموخت. در همین سال او تخلص "پردیس" (مسافر) را به خود اختیار کرد. بعد از فراغت به حیث مدیر کتابخانه و نگارنده روزنامه "اتفاق اسلام" در هرات مقرر و مدت سه سال را در آن مقام و سپس در سال 1324 (1945) به حیث مدیر عمومی "افغان انسایکلوپدیا" و در عین زمان نگارنده روزنامه "انیس" ایفای وظیفه کرد. در سال 1329 (1950) در کابینه سردار شاه محمود خان غازی به حیث رئیس مستقل مطبوعات و بعد از مدتی کوتاه به حیث مشاور مطبوعاتی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه عزتقرر حاصل نمود و مقارن به همین وقت او تخلص خود را از پردیس را به "میوندوال" تعویض نمود.

میوندوال در سال 1332 (1953م) به اولین ماموریت خارج کشور به حیث عضو سفارت افغانستان در واشنگتن هنگامیکه سردار محمد نعیم خان سفیر افغانی در آنجا بود، اعزام گردید. اما یک سال بعد در کابینه محمد داؤد دوباره به حیث رئیس ریاست مستقل مطبوعات برگشت. وقتی سردار محمد نعیم متکفل امور وزارت خارجه بود، میوندوال را به حیث معین آن وزارت بکار گماشت. در سال 1335 سفیر افغانستان در لندن و از سال 1336 تا 1337 به حیث سفیر در پاکستان کار کرد و از 1337 تا 1342 (1958) - 1963م) سفیر در واشنگتن و سپس باردیگر برای مدت کوتاه به حیث سفیر در پاکستان و در سال 1343 (1964) به حیث وزیر مطبوعات و اطلاعات در کابینه داکتر محمدیوسف ایفای وظیفه کرد. پس از استعفای داکتر محمد یوسف از صدارت بتاريخ 7 عقرب 1344 (29 اکتوبر 1965) محمد هاشم میوندوال به حیث صدراعظم از طرف شاه مؤظف تشکیل کابینه گردید. او در این مقام الی تاریخ 19 میزان 1346 (11 اکتوبر 1967) برای مدت تقریباً دو سال خدمت کرد و یکی از کارهای مهم او در این مدت تشکیل یک حزب سیاسی بنام "حزب دیموکراتیک مترقی" که نزد مردم به "حزب مساوات" (به تاسی از نشریه مساوات - اورگان نشراتی آن حزب) شهرت یافت، پرداخت و این اولین حزبی بود که از جانب صدراعظم کشور تأسیس گردید و به حیث یک حزب "حکومتی" شناخته شد. او در یک بیانیه مطول خود که به مناسبت تجلیل از چهل و هشتمین سالگرد استرداد استقلال کشور که از طریق رادیو افغانستان بتاريخ 2 سنبله 1345 زیر عنوان "عقاید و اصلاحات" پخش گردید. این بیانیه که در واقع شالوده "مانفیست" حزب او را در برداشت، بر مبنای این نکات استوار بود، طوریکه خودش بیان کرد: «ما تصمیم گرفته ایم تا این جهاد ملی را بر اساس اسلامیت، رژیم شاهی مشروطه، ملیت، دیموکراسی و

سوسیالیزم اعلام کنیم و در جهات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی، اخلاقی و معنوی زندگانی ملی اصلاحات وارد آریم.»

در همین وقت هواداران شوروی به استناد یک مقاله در نشریه "رامپارتس" شایعه ارتباط او را با سی آی ای بلند کردند که با جار و جنجالها توأم بود، اما او توانست از خود دفاع کند، اما در موارد مختلف سخت زیر فشار ولسی جرگه قرار داشت و اختلافات ذات البینی بین او و یک تعداد اعضای ولسی جرگه به اوج خود رسیده بود. در همین آوان میوندوال به مریضی معده مصاب گردید و از عهده صدارت استعفی داد و جهت تداوی به اضلاع متحده امریکا رفت و مدت تقریباً دو سال را (1967 - 1968) در آنجا گذراند. سپس بوطن برگشت و به نشر جریده مساوات ادامه داد که لحن ضد سلطنت و همچنان روحیه انتقادی علیه نوراحمد اعتمادی صدراعظم و محمد موسی شفیق را به خود گرفته بود. میوندوال در این فضا خواست خود را در سال 1348 در دوره سیزدهم شورای ملی به وکالت ولسی جرگه از "مقر" کاندید کند، اما نتوانست به این هدف نایل آید و گفته میشود که حکومت به حمایت رقیبش پرداخت. بعداً لحن انتقادی او بر شاه و حکومت بیشتر شد و مخالفت جدی خود را با امضای معاهده آب هلمند بین افغانستان و ایران منعقد حوت 1351ش ابراز کرد.

او با مایوسیت از این رویداد در اواخر 1351 (اوایل 1973) بطور شخصی به اروپا سفر کرد و حینیکه در ادامه سفر به بغداد آمد، از کودتای 26 سرطان 1352 در کابل اطلاع یافت و متعاقباً بوطن برگشت و از نظام جمهوری حمایت نمود. او بعد از مواصلت به کابل جهت ملاقات با محمد داؤد (رهبر کودتا) و برادرش محمد نعیم که دوست خوب او بود، شتافت. اما چند هفته نگذشته بود که با نشر یک اعلامیه رسمی از جانب دولت جمهوری بتاريخ 31 سنبله 1352 متهم به اشتراک در یک کودتا علیه رژیم شناخته شد و بلافاصله بازداشت گردید و مورد تحقیق قرار گرفت. بتاريخ 9 میزان آن سال خبر گویا حلق آویز کردن خودش در یک اتاق تجریدی زندان "دهمزننگ" از طریق رادیو و مطبوعات به نشر رسید که چگونگی این موضوع تا اکنون در پرده ای ابهام قرار دارد و مبدل به یک بازی گویا سیاسی و حتی شخصی شده و به مثابه "توپ فتبال" در پای هر بازیگر میدان اینطرف و آنطرف گذار میگردد. در این نوشته کوشش میشود سر نخ این معما منطقاً بدست آید.

---

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ